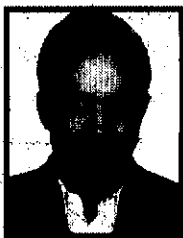


تعطیلی پروژه‌های عمرانی به خاطر یک مشت دلار

صادرات سیمان، رانت پنهان نفتی



◆ علی اصغر کیهانی

فرآیند تولید آن ۱۲۵ لیتر سوخت فسیلی و ۹۰ کیلو وات ساعت برق مصرف می‌شود. همچنین در جریان تولید یک تن سیمان، یک تن گاز کربن‌دار وارد محیط‌زیست می‌شود که بزرگ‌ترین گزارش‌های رسمی ارایه شده ۸/۵ درصد گازهای گلخانه‌ای جهان حاصل تولید سالانه ۱۸۵۰ میلیون تن سیمان می‌باشد.

بخم زیاد مصرف انرژی و آثار بسیار وسیع زیست‌محیطی تولید سیمان در کنار قیمت پایین این کالا در مبادلات جهانی (حدود ۵۲ دلار) کشورهای توسعه یافته را به فکر انتقال کارخانجات تولید سیمان به مناطقی که قیمت انرژی در آن

تحولات صورت گرفته در دهه‌های اخیر، ساختار جدیدی برای صادرات تعریف کرده به نحوی که حرکت از صادرات مواد اولیه به سمت کالای ساخته شده و از آن جا به سمت صادرات خدمات فنی و مهندسی متمایل شده است. در دهه‌های اخیر، کشورهای صنعتی به خاطر مشکلات عظیم تولید که هزینه‌های نیروی انسانی، انرژی، مسایل زیست محیطی و ... را شامل می‌شود، به جای صدور محصول نهایی، با انتقال واحدهای تولیدی خود به کشورهای در حال توسعه و یا کشورهایی که دارای مزیت‌های نسبی برای تولید می‌باشند، سمت و سوی جدیدی برای دنیا رقم زده‌اند - حتی دامنه این تدبیر، کشورهایی مثل کره جنوبی، چین و هند را نیز در نوردیده به نحوی که این کشورها تا چند سال پیش از جمله کشورهایی بودند که مشمول پذیرش احداث واحدهای صنعتی بودند ولی امروزه با احداث کارگاه‌های مختلف تولیدی در اقصی نقاط دنیا، صادرات خدمات فنی و مهندسی را در دستور کار خود قرار داده‌اند. در حال حاضر کشورهای مختلف را از نظر نوع محصولات صادراتی به ۳ گروه می‌توان تقسیم کرد.

۱. کشورهای صادرکننده مواد اولیه
۲. کشورهای صادرکننده کالای صنعتی
۳. کشورهای صادرکننده خدمات فنی و مهندسی

کشور ما تلاش می‌کند که خود را از مرحله صدور مواد اولیه به صدور کالاهای ساخته شده ارتقا دهد. یعنی ارزش افزوده محصول ساخته شده خود را بالا برد، هر چند از صادرات خدمات فنی و مهندسی حداقل در بیان غافل نشده است.

۱. سیمان یک فرآورده صنعتی است که در

◀◀ **کارگردان قدیمی‌ترین داستان تکراری کشور ما مشخص نیست، اما بازیگران شناخته شده‌ای دارد که دلان سیمان، تنها نقش سیاهی لشکر این سناریو را بازی می‌کنند و بازیگران اصلی کسانی هستند که برای شناسایی نشدن نیازمند این سیاهی لشگرند** ■

کشورها پایین است انداخته و نهضت خروج کارخانجات سیمان از اروپا در سال‌های اخیر هر همین راستا بوده است.

در این میان مسوولان در کشور ما متأسفانه به تذکرات کارشناسان توجه چندانی نکرده‌اند. زیرا بر اساس اطلاعات مسوولان، با سرمایه‌گذاری‌های صورت گرفته و مجموع ظرفیت‌های موجود، تا ۵ سال آینده، سالانه بیش از ۸۰ میلیون تن سیمان تولید می‌کنیم، حال آن‌که مصرف داخلی، کمتر از این مقدار خواهد بود. به بیان دیگر ناخواسته در دام این طرح کشورهای غربی افتاده‌ایم که در آینده سیمان مورد نیاز آنها را تامین کنیم. آن هم بدین شکل که با مصرف ۱۲۵ لیتر سوخت فسیلی و ۹۰ کیلو وات ساعت برق و از بین بردن ۱ تن مواد معدنی تجدیدناپذیر و با تحمیل ۱ تن گاز کربن‌دار به محیط‌زیست به کالایی برسیم که در صورت انتقال به بنادر رسمی کشور، به قیمت ۵۲ دلار به فروش می‌رسد. در شرایطی که کشورهایی مثل هند و سنگاپور و مالزی و کره و ... به دنبال صادرات انواع فرآورده‌هایی هستند که یک محموله یک تنی را به قیمت بیش از ۲۰۰۰ دلار به فروش

برسانند، کشور ما باید یک تن فرآورده خود را به قیمت ۵۲ دلار به فروش برساند.

۲. محاسبات زیرکانه کشورهای توسعه یافته در انتقال کارخانجات تولید سیمان به کشورهایی مانند ایران، در دل سوبسیدهای انرژی نهفته است که در کشورهای مثل ایران وجود دارد. بخش قابل توجهی از قیمت تمام شده سیمان را انرژی تشکیل می دهد و به خاطر قیمت پایین انرژی در کشور ما، سیمان تولید شده در ایران حاصل نوعی سوبسید انرژی می باشد. بر همین اساس در دل صادرات سیمان نوعی رانت پنهان نفتی نهفته است. زیرا بخش قابل توجهی از قیمت تمام شده سیمان را انرژی های مصرفی آن تشکیل می دهد که در کشور ما با سوبسید در اختیار صنایع قرار می گیرد، حال در شرایطی که می توان با صادرات ۱۲۵ لیتر سوخت فسیلی و ۹۰ کیلو وات ساعت برق، رقمی معادل ۵۲ دلار نصیب کشور کرد و

البته از ورود یک تن گاز کربن دار به محیط زیست نیز جلوگیری نمود. در این صورت صادرات سیمان به قیمتی کمتر از قیمت جهانی مواد اولیه آن را چه می توان نامید؟

۳ - بی توجهی به وضعیت پروژه های عمرانی داخلی، به خاطر یک مشت دلار نشان دهنده اوضاع بی سر و سامان نظام تولید و صادرات سیمان می باشد. حتی در کشورهایی که آزادترین اقتصاد را دارند، دولت به عنوان مدافع منافع عمومی در برخی حوزه ها به

نفع منافع داخلی وارد عمل می شود. برابر مفاد طرح جامع سیمان مقرر گردید که مبالغی به عنوان مابه التفاوت نرخ تعادلی سیمان، به منظور تامین هزینه های واردات کلینکر برای مواقعی که تقاضای داخلی سیمان افزایش پیدا می کند در اختیار کارخانجات سیمان قرار گیرد (از قرار هر تن ۱۰۰۰/۳۰ ریال)، با گذشت بیش از ۱۸ ماه از اجرای طرح جامع سیمان و اخذ این مبالغ که در حال حاضر رقمی بیش از ۱۲۰۰ میلیارد ریال شده است، کل سیمان وارداتی به ۳۵۰ هزار تن نمی رسد، که البته برابر اعلام یکی از مسوولان ارشد موسسه استاندارد سیمان وارداتی به خاطر عدم احراز کیفیت بر اساس استانداردهای داخلی جهت مصارف خاصی مجوز

ترخیص گرفت. به بیان دیگر، در کنار اخذ وجوهی از بابت فروش هر تن سیمان توسط کارخانجات داخلی به منظور پوشش هزینه های حمل سیمان وارداتی، نه تنها این مبالغ در محل واقعی خود هزینه نشده است، بلکه از سرنوشت ۱۲۰ میلیارد تومان نیز خبری در دست نیست. و البته سیمان وارداتی نیز، از نوع نامرغوب بوده است. کارخانجات سیمان به این جا نیز بسنده نکرده اند و به خاطر افزایش مصرف در فصل تابستان به جای پاسخگویی به نیاز داخلی، بخشی از تولید خود را به کشورهای همسایه صادر می کنند. در شرایطی که بود و نبود سیمان در تمام مراحل اجرایی پروژه های عمرانی تاثیر گذار است، معلوم نیست که مجوز صادرات سیمان به قیمت تعطیلی و توقف پروژه های عمرانی در داخل کشور توسط کدام مقام مسوول صادر می شود. آن هم درست در اوج



فعالیت های عمرانی که به خاطر شرایط اقلیمی در کشور ما کمتر از ۵ ماه است و در برخی از استان های سردسیر، عدم تامین به موقع سیمان به معنی وقفه یک ساله در انجام پروژه های عمرانی است. بر اساس طرح جامع سیمان، مقرر شده است که کارخانجات سیمان مابه التفاوت فروش نرخ تعادلی را به منظور تامین هزینه های صادراتی سیمان هزینه کنند (که بیشتر هزینه های حمل و ترانسپورت را شامل می شود) زیرا سیمان وارداتی از کشورهای ترکیه، روسیه و هند و پاکستان تقریباً برابر قیمت های داخلی می باشد و تنها هزینه های حمل و انتقال سیمان از این محل تامین می گردد، ضمن این که سیمان وارداتی نیز به قیمتی بالاتر

از نرخ تعادلی و تقریباً به قیمت بازار آزاد به فروش می رسد. نکته اصلی این است که این مبالغ نه برای تامین هزینه های واردات سیمان هزینه شده و نه در قالب سود سهام بین سهامداران توزیع شده است و از سرنوشت آن خبری نیست.

۴. تغییرات فصلی تقاضای بازار برای سیمان به خاطر ساختار غلط نظام توزیع و مصرف سیمان در طول ۵۰ سال گذشته همواره در فصل تابستان بحث های فراوانی را به خود اختصاص داده است، واژه هایی از قبیل دلالتان و مافیای سیمان، همه ساله در تابستان همچون بختکی پیدا می شود تا همه ضعف ها و اشکالات نظام توزیع و مصرف سیمان را به صورت کامل بر عهده بگیرند و غلط سربوشتی باشند بر روی ضعف مسوولان در برنامه ریزی برای طراحی ساختار صحیح توزیع سیمان. طنز تلخ ماجرا اینجاست که سه گروه اصلی تحویل گیرندگان سیمان (۵۶ درصد اتحادیه مصالح فروشان ۲۵ درصد دستگاه های دولتی و ۱۵ درصد صنایع تولید بتن و قطعات بتنی به همراه مدیران کارخانجات سیمان) همواره در مقام اظهار نظر از مافیای سیمان، تبری می جویند و مشخص نیست که این مافیای سیمان وصل به کدام یک از گروه های اصلی تحویل گیرنده سیمان است!! کارگردان قدیمی ترین داستان تکراری کشور ما مشخص نیست، اما بازیگران شناخته شده ای دارد که دلالتان سیمان، تنها نقش سیاهی

لشکر این سناریو را بازی می کنند و بازیگران اصلی کسانی هستند که برای شناسایی نشدن نیازمند این سیاهی لشکرند. در شرایطی که کارخانجات تولید بتن آماده استاندارد- حناقل در استان تهران که همه کارخانه های مجاز، گواهی نامه استاندارد دریافت کرده اند- با زیر ۲۵ درصد ظرفیت خود فعالیت می کنند و خسارات هنگفتی به خاطر عدم تامین به موقع سیمان به این واحدها وارد می شود، دیدن یک آگهی از سوی فردی ناشناس در صفحه اول روزنامه دولتی با این عنوان که (سیمان فله تحویل فوری) همه آن داستانی است که سال هاست در کشور ما تکرار می شود.